



برنامه دوم و خط مشی ها



- برنامه دوم؛ شناخت مبانی و گزینش خط مشی های رسانا تر
- سیاستهای کلان دو برنامه در یک نگاه
- برنامه دوم؛ خط مشی ها و سیاستهای کلان در پوته نقد
- چالش های برنامه دوم؛ ساختار دولت و تنگناهای نظام برنامه

مدخل:

میانی دقیق، علمی بودن، فرایند نداشتن برنامه، انطباق با واقعیتها، هدف مشخص و تأثیرپذیری مثبت از عملکرد از جمله ویژگیهایی است که کارشناسان برای یک برنامه خوب برمی شمارند.

«مجلس و پژوهش» با توجه به جایگاه میانی، اهداف بهینه و نقش استراتژی‌های کلان در فرایند توسعه، بخش نخست این ویژه‌نامه را به این موضوع اختصاص داده است.

نخستین مقاله این بخش، نقطه نظرات گروه کار برنامه دوم پیرامون میانی، اهداف و خط مشی‌های برنامه دوم است. در این مقاله، گروه کار برنامه دوم، دیدگاههای خود را به نحو روشن در خصوص اهداف و خط مشی‌ها تشریح نموده است.

یک مقایسه تطبیقی پیرامون سیاستهای حاکم بر برنامه‌های اول و دوم توسعه، موضوع مقاله بعدی است و در ادامه خط‌مشی‌ها و سیاستهای کلان برنامه دوم حول چهار محور «درآمدها و هزینه‌ها»، «پول و اعتبارات»، «قیمت‌گذاری و سوبسید» و «خصوصی‌سازی» مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته است.

آخرین مقاله بخش حاضر، به تجربه برنامه‌ریزی در ایران پرداخته و ساختار دولت و تشکلهای نظام برنامه‌ریزی را مورد توجه قرار داده است.

مروری بر مباحث گروه کار برنامه دوم (۵)

■ برنامه دوم؛ شناخت مبانی و گزینش خط‌مشی‌های رساناتر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

اشاره

گروه کار برنامه دوم، که متشکل از نمایندگان آگاه و صاحب‌نظر و شماری از کارشناسان می‌باشد، تاکنون می‌نشست را پشت سر گذارده است. این جلسات که بطور هفتگی تشکیل می‌گردد، به مقولات مختلف برنامه دوم پرداخته و نظرات و پیشنهادات تکمیلی ارائه می‌نماید. در گزارشی که ملاحظه می‌فرمایید، نقطه‌نظرات گروه کار برنامه دوم در خصوص ره‌بایی دقیق‌تر به مبانی برنامه ارائه شده است. گروه کار برنامه دوم معتقد است که انتخاب مبانی دقیق‌تر برای برنامه، می‌تواند در ارائه اهداف بهینه و نهایتاً طراحی خط‌مشی‌های مطلوب‌تر، عیناً مؤثر باشد.

«استقرار» نظام است و همواره توان و امکانات ما در این سمت، با اولویت هدایت می شوند؛ یعنی برای حفظ نظام و استقرار آن از هر امر دیگری می توانیم صرف نظر کنیم. همچنین هر حرکتی که به استقرار نظام لطمه بزند، مردود است، ولو در شئون دیگری دارای فوائد باشد. ج. از اموری که لطمه به استقرار نظام می زند، «محرومیت» عده کثیری از مردم و «برخورداری» جمع قلیل از آنها است؛ همچنین تبعیض و یا انحصارات برای گروه های خاص که همه اینها را می توان تحت عنوان «عدم عدالت اجتماعی» نام گذاشت. لذا، عدالت اجتماعی برای حفظ نظام ضروری است. بدین منظور باید برنامه های تأمین اجتماعی، مسکن، اشتغال، خدمات پزشکی - اگرچه هزینه بیشتری ببرد - توسعه و تعیین باید و برای طبقات محروم پوشش وسیعتر و عادلانه تری پیدا کند. د. امنیت در بیرون مرزها و دور نمودن تهدیدات قریب، نیاز به تهیه مقدماتی دارد که شامل قدرت دفاعی و تنظیم روابط خارجی است. از اصل اول نتیجه می گیریم که در برنامه، رفع نیازهای دفاعی در حد ایجاد یک «دفاع مؤثر» باید بر هر کار دیگر اولی باشد و بودجه آن نیز - مانند سایر امکانات مورد نیاز - با اولویت تخصیص یابد. بدیهی است اولویت در بودجه به معنی صرف بیشترین مبلغ نیست، بلکه هر آنچه برای آن کار نیاز و در جهت تحقق آن هدف ضروری است، باید مد نظر قرار گیرد.

مقصود از برنامه بیان خطوط و راهنمایی هایی است که مبتنی بر آن، دولت، اولویتها و نحوه تخصیص بودجه و امکانات را برای یک دوره پنجساله تشخیص داده و عمل می نماید. بنابراین «برنامه» یک راهنمای عمل در سطوح مختلف دستگاههای اجرایی نظام است و به همین دلیل در اهمیت و ضرورت آن کوچکترین تردیدی وجود ندارد.

از سوی دیگر ساختار برنامه نیز بنوبه خود از مبانی کلی و عمومی - لیکن روشن و صریح - می آغاز و آنقدر در تفصیل پیش می رود که برای مجریان، تشخیص غرض، خط مشی، نحوه تخصیص بودجه و امکانات کاملاً روشن بشود. آنچه در این سخن آمده، بخش کلی و مبانی برنامه است که بر اساس مبانی و حدود مذکور تفصیلات برنامه باید تهیه گردد.

اول؛ حفظ نظام مقدس اسلامی بر هر امر دیگری مقدم است.

الف. نظام از یک سوی دارای جوهر و حیات معنوی و حقیقی است و از سوی دیگر دارای ساختاری ظاهری می باشد. حفظ نظام یعنی حفظ هر دو. جوهر نظام ما، ماهیت اسلامی آن است؛ لذا حفظ جوهر اسلامی نظام، عین حفظ حدود و ثغور و امنیت و امثال ذلک و بلکه مقدم بر همه آنها است. ب. امنیت و ثبات کشور در واقع اجزای مقدم

دوم؛ ایران اسلامی باید خوداتکا باشد.

الف. ماهیت اسلامی، به نحو طبیعی ما را با تسلط کفر، رودررو قرار می‌دهد. لذا باید «جو تخصص» بین جمهوری اسلامی ایران و سرمداران سلطه کفر را یک امر پایدار و بنحوی جزء محیط بین‌المللی خود بدانیم. در چنین وضعیتی نباید سرنخ‌های حیاتی ما در نقاط نامطمئن، رها شود. بلکه حتماً باید به خودمان متصل باشد و این در واقع همان مفهوم خود اتکائی است.

ب. باتوجه به توضیح فوق دو محور عمده برای خود اتکائی داریم:

اول: در زمینه دفاعی

دوم: در زمینه کالاهای اساسی: (گندم، برنج، گوشت، روغن و شکر و...)

ج. اتخاذ سیاست خوداتکایی در این محورها؛ یعنی باید تلاش کنیم که نیازهای خود را در این دو زمینه تأمین کنیم، حتی اگر به بهای کاهش در کیفیت صنعتی باشد.

د. در زمینه کالاهای اساسی، به عنوان یک محور برنامه نه تنها باید نیاز فعلی را جوابگو باشیم، بلکه باید برای افزایش جمعیت و مصرف هم به نحو طبیعی زمینه‌سازی و تدارک صورت پذیرد.

هـ. خوداتکائی یعنی تهیه همه زمینه‌های مورد نیاز از نیروی انسانی و امکانات صنعتی و مواد و... مثلاً در امر کالاهای اساسی، موضوع بسط مراکز آموزشی در زمینه‌های مختلف کشاورزی و تغذیه و امثال ذلک، باید مورد توجه واقع شود و ضروری است که در این زمینه‌ها از محل امکانات آموزش عالی، بودجه و امکانات

بیشتری دریافت دارند؛ هکذا در زمینه تحقیقات، در زمینه صنایع غذایی، بسته‌بندی، نگهداری و دهها حرفه و شعبه دیگر.

وقتی خود اتکائی مهم می‌شود یعنی اعتبارات و توجهات و تلاشها باید در این سو، جهت پیدا کند و اولویت بیابد؛ نه اینکه صرفاً یک امر مهم در کنار دهها مهم دیگر تلقی گردد.

سوم؛ تلاش برای توسعه ایران باید هدف‌دار باشد.

الف. تبدیل ایران اسلامی به یک کشور آباد و پیشرفته بدون شک یک هدف مهم و حیاتی است اما چگونه؟ و در چه جهتی؟ این سؤال مهمی است که باید برنامه‌های توسعه پاسخ آن را بدهند.

نکته مهم اینست که ما نمی‌توانیم همه چیزهای خوب را «یکجا» و «همزمان» بخواهیم و برنامه، مجموعه‌ای از آرزوها باشد و بدنبال آن اعتبارات محدود خود را چنان بخش کنیم که هیچ کاری را نتوان به آنها رساند. درست آن است که ابتدا اهداف معینی را انتخاب نموده و با تمرکز امکانات و نیروها، در آن محور به مرزهای پیشرفته رسید؛ ضمن آنکه سایر محورها در حاشیه و در اثر توفیقات در بخش منتخب، خود به پیشرفتهایی دست می‌یابند.

ب. صنعت نفت با توجه به سابقه هشتادساله، ذخائر مهم و غنی و نیروی انسانی وسیع (بیش از ده هزار کارشناس با سابقه و قابل) برای ما به عنوان یک محور مزیت نسبی مهم، قابل تلقی است. در هیچ

جایگاهی درخور در عرصه بین‌المللی و در اقتصاد نفتی پیدا کنیم. بدیهی است که حرکت در این زمینه نیاز به توسعه و بسط دهها رشته از صنایع سبک و سنگین و توسعه علوم و فنون دارد که همه بهم مربوط هستند. در اینکه صنعت نفت «صنعت منتخب» برای توسعه ایران است، بدان معنی است که ما در تخصیص اعتبارات و امکانات و دیگر مسائل مربوطه به آن اولویت می‌دهیم؛ لیکن شعب دیگر از صنایع نباید برای رشد طبیعی و آزاد خود قیدی داشته باشند. آنها می‌توانند به حیات خود به مقتضای زمینه و ساختار «بازار» ادامه داده یا تعطیل شوند. بدیهی است، بسیاری از صنایع و رشته‌های فعالیتهای می‌توانند مستقلاً و یا به صورت وابسته به صنایع سایر کشورها، در داخل و حتی با مقداری ارزش افزوده در منطقه، بازار داشته باشند و بنابراین رشد نیز بیابند. با توجه به اینکه آنها در زمره رگه‌های حیاتی محسوب نمی‌شوند، اتصال و یا اقتداء آنها به صنایع سایر کشورها و یا بازار داخلی و یا منطقه اشکالی دربر ندارد.

بنابراین در بخش تفصیلی برنامه باید از این محورها، بنحویز و کاربردی، توجهات و اولویتهای استخراج و امکانات و بودجه بین آنها تقسیم گردد.

چهارم؛ استعدادهای پیشرفته مردم، ثروت ملی است.

الف. ما به جای اینکه نفت و معادن و امثال

صنعت دیگری از قبیل ماشین‌سازی، فولاد و الکترونیک چنین زمینه مناسبی وجود ندارد. لذا باید به عنوان محور منتخب برای رسیدن به سطح پیشرفته جهانی و کسب مقام و جایگاه مناسب در صحنه بین‌المللی مورد توجه و سرمایه‌گذاری واقع گردد.

ج. محورهای عمده در صنعت نفت به قرار ذیل است:

- فروش نفت خام باید به تدریج کاهش یابد و پس از مدتی فقط فرآورده به فروش برسد.

- سرمایه‌گذاری در کلیه شاخه‌های صنایع فرآورده نفتی (نظیر پتروشیمی) گسترش یابد و بخش خصوصی برای ایجاد این صنایع، تشویق و مساعدت شود.

- توسعه توانایی‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در صنایع مربوط به کشف، حفاری، استخراج و نگهداری چاهها و تأسیسات نفت، به نحوی که خدمات آن در دنیا قابل ارائه باشد.

- دانشگاهها و مراکز علمی در تمام شعب علوم و فنون مربوط به نفت گسترش یابند.

- زمینه‌کاری در اقتصاد نفت و تحقیقات

آنها در مراکز علمی توسعه یابد.

خلاصه کلام اینست که باید برنامه دوم

ما را به سوی وضعیتی برد که جهان امروز،

ایران را به عنوان یک مرکز مهم صنایع نفتی

و علوم و فنون مربوطه در سطوح پیشرفته

جهانی بشناسد و ما، با پیشرفتهای خود،

د. انحصارات دولتی که مبتنی بر این فکر است که صنایع و معادن بزرگ و امثال اینها باید دولتی باشد بویژه در امر نفت- باید مورد تجدید نظر قرار بگیرد. تنها با از بین بردن این انحصار است که می توان صنعت نفت را در کشور به عنوان صنعت مادر و ملی توسعه داد. همین امر در استفاده از رادیو-تلسویزیون در مقوله فرهنگی - اجتماعی نیز صادق می باشد.

باتوجه به محورهای پیش گفته، توجه به نکات زیر ضروری می نماید:

۱- در شرح خط مشی ها، در لایحه برنامه دوم، تعدادی نکات خوب و مفید ارائه شده، اما بنظر می رسد که فضای تخصصی موجود و تنش های سیاسی بیرون مرزها که متوجه آرمانهای انقلاب اسلامی است، اقتضائاتی را مطرح می سازد که برنامه از آن غافل بوده و پرداختن به این مقوله را تحت عنوان «شرایط اضطراری خاص که در حال حاضر مطرح نیست» (بند الف- فصل ۴- برنامه کلان) تلفی نموده است.

۲- وجود شرایط تخصصی و فشارهای مسوچود، نگاه متفاوتی را به مقوله برنامه ریزی و بویژه «برنامه دوم» می طلبد. فصول مهمی که در این توجه خاص مطرح می شوند از این فرارند:

الف: توسعه پی ساخت های اقتصادی در جهت حداکثر خوداتکایی در تولید کالاهای اساسی (بدون توجه به توجیحات اقتصادی) ب: اشتغال برای تمامی شهروندان آماده بکار و فراهم نمودن حداقل معیشت

اینها را ثروت ملی بدانیم باید ثروت اصلی ملی را استعدادهای بالا و لیاقتها و اندیشه های نوآور و همتهای بلند بدانیم و برای بروز و اثرگذاری آنها زمینه را آماده کنیم. کارهای بزرگ باید بدست مردان بزرگ و باهمت عالی انجام بگیرد نه اینکه فقط دولت بانی آن باشد، زیرا دولت غالباً فقط «خرج کننده» بزرگ است! بنابراین سزاوار نیست که به بخش خصوصی که محل ظهور فعالیت غیردولتی مردم است به عنوان پدیده ای مشکوک و یا حاشیه ای نگاه کنیم، بلکه آن را بستر ظهور استعدادهای راقی و نوآوریهای مردم - و در واقع ثروت حقیقی ملی - بدانیم.

ب. نحوه حمایت ما باید بخش خصوصی را به نحو طبیعی به سوی زمینه های توجیه پذیر هدایت کند. اختصاص منابع مالی به اندازه کافی برای نشاط بخش خصوصی و به کارگیری ارزیابی فنی براساس کارآمدی (و نه روابط و بویژه توجیحات بخش دولتی) ضروری است؛ لذا نباید در برنامه، بخش اعظم اعتبارات مالی را پروژه های بزرگ دولتی جذب کند و برای بخش خصوصی امکان تنفس نباشد.

ج. برای اینکه بتوان در احاله امور به بخش خصوصی، سهل تر و صحیح تر تصمیم گیری نمود، لازم است فعالیت های بخش دولتی کاملاً شفاف بشود. مسئله ای که امروزه از مشکلات عمده محسوب است، آنکه دستگاههای دولتی مابه دلائل مختلف پنهان کاری می کنند. به هر حال، «توجیه اقتصادی» باید ملاک ارزیابی هر تصمیم اقتصادی باشد.

برنامه دوم و خط مشیها

ب: باتوجه به لزوم خود اتکایی تولیدی - اقتصادی، تولیدات استراتژیک^(۱) باید چنان مورد حمایت تجاری قرار گیرد که نیازهای مصرفی جامعه، باتوجه به رشد جمعیت در سطح حداقل مصرف (بدون هر گونه اسراف، تبذیر و ضایعات) در داخل کشور تولید شود.

ج: حمایت از صنایع دفاعی کشور باید چنان باشد که حداقل نیازهای دفاعی در داخل تأمین گردد.

د: باتوجه به ضرورت اجتناب جلدی از هر حرکت اقتصادی که منجر به سلطه خارجی گردد، وضعیت تعهدات خارجی باید از دقت و آینه‌نگری متناسب برخوردار شود. ۴: علاوه بر اصول پیش گفته، اصول کلی دیگری نیز وجود دارد که عنایت به آن در برنامه دوم ضروری بنظر می‌رسد:

الف: ضعف‌های موجود به اتلاف منابع می‌انجامد (طی این سالها فراوان شاهد اتلاف منابع در بخش‌های مختلف اقتصادی بوده‌ایم که به دلیل هدایت غلط منابع، فرصت‌های توسعه در بخش‌ها از دست رفته است که به عنوان نمونه میلیاردها دلار در صنایع کشور هزینه کرده‌ایم و متأسفانه بخش عمده‌ای را نیز در صنایع مصرفی به کار برده‌ایم ولی هنوز موفق

۱- لازم است که تولیدات استراتژیک و حیاتی باتوجه به شرایط جهانی و منطقه‌ای، مستلاً کارشناسی شده و پس از تأیید شورای امنیت ملی یا هیئت دولت مبنای کار قرار گیرد. توضیح اینکه تولیدات استراتژیک کلیه اقلام اساسی معیشتی و بهداشتی، درمانی و تأمین مورد نیاز شهروندان را شامل می‌شود.

(خوراک - پوشاک - مسکن)

ج: فراهم نمودن حداقل تأمین اجتماعی (پوششهای مورد نیاز بهداشتی، درمانی و تأمین)

د: توسعه صنایع نظامی در جهت خود اتکایی و تأمین قدرت کافی بازدارندگی و دفاعی.

ه: کوشش در جهت تحقق عدالت اجتماعی بمثابة یک عامل تثبیتی نظام و امنیت ملی با کارکردهای:

- مقابله با تبعیضات اجتماعی و اقتصادی
- مقابله با اعطای امتیازات و انحصارات به اشخاص یا طبقات خاص در جامعه

- سمت‌گیری عادلانه برای قوانین و مقررات و: انتخاب و کساربرد الگوهای بهینه

مصرف بمثابة عاملی برای حفظ منابع ملی
۳- همانگونه که ملاحظه می‌شود عدالت اجتماعی و رفاه عمومی در حداقل قابل قبول که در برنامه دوم می‌تواند حداقل معیشت (خوراک، پوشاک، مسکن) اشتغال، بهداشت عمومی، درمانی و خدمات تأمین اجتماعی متبلور گردد، از نگاه امنیت ملی دارای جایگاه ویژه‌ای است و لذا ضروری است که دو مورد زیر به عنوان اصول کلی حاکم بر برنامه دوم توسعه مورد توجه برنامه‌ریزان قرار بگیرد:

الف: تعیین هر نوع هدف، استراتژی و سیاست که موجب خدشه‌دار شدن امنیت و مصالح ملی شود، حتی در صورت داشتن توجیه قوی اقتصادی ممنوع است.

۶-۵: تقویت ارتباطات سیاسی و اقتصادی بین‌المللی همسو با استراتژی‌های توسعه ملی

۷-۵: شناسایی بازارهای جدید (کالایی - مکانی) برای توسعه صادرات کنونی و تبدیل پتانسیل‌های بالقوه به عملکرد بالفعل در این بازارها

۸-۵: با توجه به نقش و جایگاهی که صنعت در روند توسعه دارد، ضرورت توجه جدی به این بخش احساس می‌شود. در این رابطه و در نخستین گام ضروری است که باحث‌های جدی کارشناسی، استراتژی‌های توسعه این بخش معلوم شود تا بیش از این منابع ملی تحت عنوان «صنعتی شدن» از دست نرود

۹-۵: تعرفه‌های وارداتی کالا بگونه‌ای تعیین شود که در بهترین نقطه رعایت حال هم مصرف‌کنندگان و هم تولیدکنندگان باشد و در واقع به نحو معقول، هر دو قشر مورد حمایت قرار بگیرند

۱۰-۵: اصلاح سیستم مالیاتی باهدف توسعه امنیت اقتصادی و تأمین عدالت اجتماعی، تشویق تولید و سرمایه‌گذاری و ارتقای درآمدهای دولت مورد توجه دولت قرار بگیرد.

۱۱-۵: تورم در طول سالهای برنامه بصورت مهار شده و حداکثر ۱۵٪ برای هر سال باشد. زیادتر شدن تورم می‌تواند اثرات مثبت توسعه را زایل و زمینه‌ساز تهدیدات سیاسی گردد. توجه به مقولات پیش‌گفته، در خصوص محورهای مبنایی برنامه و ضروریات مطروحه در حول آن محورها، نتایج ملخص زیر را پیش‌رو می‌گذارد:

نشده‌ایم که ساختار صنعتی مناسب و «ثروت‌ساز» برای کشور فراهم آوریم) بنابراین پایبندی جدی به حرکت «برنامه مدارانه» مورد تأکید است.

ب: نفت سرمایه ملی است و لهذا ضروری است که به صورت صحیح مورد بهره‌برداری واقع گردد. فقدان تلقی سرمایه از نفت باعث گردیده که طی این سالها مسابقه زیان‌بار فروش نفت، اثرات ناگواری را به اقتصاد ملی تحمیل نماید.

۵: مجموعه اصول کلی که مورد اشاره قرار گرفت، استراتژی‌های توسعه خاص خود را می‌طلبد که به شرح زیر ارائه می‌گردد:

۱-۵: خود اتکایی در تولیدات استراتژیک و نیازهای دفاعی و صنایع منتخب

۲-۵: اصلاح نظام برنامه‌ریزی، سازماندهی آماری و تدارک نظام جامع نظارت و ارزشیابی در روند تدارک و عملکرد برنامه دوم

۳-۵: ایجاد شفافیت، قاطعیت و ثبات در قوانین، مقررات و دریافت‌های دولت در زمینه صادرات و واردات و تولید

۴-۵: آزاد سازی، خصوصی سازی و تشویق افراد و ایجاد انگیزه برای رقابت سالم در تجارت و تولید

۵-۵: ضرورت برنامه‌ریزی در خصوص تعهدات خارجی و بازپرداخت بدهی‌ها بگونه‌ای که در پایان برنامه، مانده تعهدات از ۵۰٪ درآمد سالیانه بیشتر نباشد. ضمناً تعهدات جدید با رعایت احتیاط و متناسب با درآمدهای خالص ارزی و با تصویب مجلس صورت پذیرد.

الف: در زمینه امور خارجی:

- ۱- حاکمیت اصول: عزت، حکمت، مصلحت و نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی
- ۲- شناخت دقیق توطئه‌های جهانی
- ۳- وجود تر مشخص در ایجاد رابطه یا قطع رابطه با هر کشور

ب: در زمینه امور داخلی:

- ۱- ایجاد زمینه برای برخورداری از آزادی اسلامی برای همه آحاد جامعه
 - ۲- ایجاد زمینه برای مشارکت بیشتر و آگاهانه‌تر مردم در سرنوشت سیاسی خود
- ج: در زمینه بازرگانی خارجی:

- ۱- پرهیز از هر تصمیمی که منجر به سلطه اقتصادی بیگانه می‌شود.
- ۲- حمایت معقول از تولیدکننده و مصرف‌کننده
- ۳- برنامه‌ریزی دقیق برای بازپرداخت بدهیها
- ۴- تعهدات خارجی باید صرفاً در حد توان قطعی برای بازپرداخت باشد.

د: در زمینه مسایل امور اقتصادی:

- ۱- سرمایه‌گذاری برای تولید امکانات معیشتی ضروری اعم از خوراک، پوشاک، بهداشت و درمان، بنیه دفاعی و ایجاد اشتغال برای جوانان
- ۲- استفاده بهینه از نفت و گاز و خودداری از هدر دادن این سرمایه ملی. باید استفاده از هر بشکه نفت توجیه اقتصادی - سیاسی لازم را داشته باشد.
- ۳- تنظیم استراتژی مشخص برای توسعه صنعتی.

- ۴- اصلاح نظام برنامه‌ریزی و بخصوص آمار، نظام کنترل، نظارت و ارزشیابی.

- ۵- اصلاح سیستم مالیاتی

- ۶- کنترل تورم زیر ۱۵ درصد در هر سال

- ۷- پیاده کردن فرهنگ فساد و الگوی مصرف اسلامی در دستگاههای دولتی

ه: در زمینه مسایل فرهنگی و اجتماعی:

- ۱- پیاده کردن فساد با الگوی مصرف اسلامی در دستگاههای دولتی و حکومتی

- ۲- جلوگیری از اسراف و تجمل‌گرایی

- ۳- ترویج روح خود اتکایی و بی‌نیازی از بیگانگان

- ۴- اثبات برتری فرهنگ اسلامی بر همه فرهنگها

- ۵- تدوین نظام آموزشی و کتابهای مرجع دانشگاهی در علوم انسانی

- ۶- اهمیت ویژه به آموزش و تحقیق برای دستیابی به تکنولوژیهای مطلوب

- ۷- ترویج فرهنگ کار و ارزشهای معنوی آن

- ۸- تنظیم سیاست ارتباطات و تبلیغات در جامعه و رساندن اطلاعات لازم و بموقع به مردم

- ۹- از بین بردن هر گونه تبعیض در جامعه

- ۱۰- زمینه سازی برای توزیع عادلانه ثروت در جامعه

- ۱۱- تأمین حداقل نیازهای معیشتی طبقات ضعیف

- ۱۲- ایجاد امنیت قضایی

- ۱۳- تسریع در مجازات مجرمین

- ۱۴- اجرای عدالت بدون ملاحظه مراتب.